

تأثیر شاخص پولی حسابگری و سخت‌کوشی بر سرمایه انسانی در کشورهای منتخب در حال توسعه: با تأکید بر ایران

امیر منصور طهرانچیان^۱، * ساعده عزیزی ثالث^۲، آرزو محمودی^۳

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه علامه محدث نوری، نور، ایران

(دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۳ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۱۴)

The Effects of Monetary Index of Thrift and Hardworking on Human Capital in Selected Developing Countries: An Emphasis on Iran

Amir Mansour Tehranchian¹, * Saedeh Azizi Sales², Arezoo Mahmoudi³

1. Associate Professor in Economics, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

2. Ph.D. Student in Economics, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

3. M.A. Student in Economics, Allameh Mohades Nouri University, Nour, Iran

(Received: 23/Jan/2016

Accepted: 2/April/2016)

چکیده:

Abstract:

The aim of this study is to investigate the effect of monetary index of thrift and hardworking (as cultural capital) on human capital in selected developing countries during 2005-2012. The data gathering method in this survey is based on library databases. Panel method is used to analysis the data and test the hypothesis. In order to estimate the model, generalized method of moments (GMM) is used. The results show that indices of cultural capital (hardworking index and monetary index of thrift) have positive and significant effect on the human development index in short and long-term. Also the impact of cultural factors on the human development index is higher in the long term than the short term. The innovation of this survey is to use new cultural indices such as monetary index of thrift and hardworking index which are highlighted in foreign studies.

Keywords: Cultural Capital, Human Capital, Iran's Economy.

JEL: A13, J24, O57.

هدف پژوهش حاضر، بررسی شاخص‌های پولی حسابگری و سخت‌کوشی (به عنوان شاخص سرمایه فرهنگی) بر سرمایه انسانی در کشورهای منتخب در حال توسعه از جمله ایران در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۲ است. در این تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای است. روش تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه بر اساس روش اقتصادسنجی رگرسیون داده‌های تابلویی است. به منظور برآورد الگو از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داده است که شاخص‌های سرمایه فرهنگی (شاخص سخت‌کوشی و شاخص پولی حسابگری) در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر مثبت و معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارند. علاوه بر این میزان تأثیر شاخص‌های فرهنگی بر توسعه انسانی در بلندمدت بیش‌تر از کوتاه‌مدت است. استفاده از شاخص‌های جدید سرمایه فرهنگی مانند شاخص پولی حسابگری و شاخص سخت‌کوشی که در مطالعات خارجی استفاده از آنها مورد تأکید قرار گرفته است، جزء نوآوری‌های این پژوهش محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سرمایه فرهنگی، سرمایه انسانی، اقتصاد ایران.

طبقه‌بندی JEL: A13, J24, O57.

۱- مقدمه

اساس نظریه‌های رشد نئوکلاسیک تأکید بر تمرکز سرمایه و وجود فناوری است در حالی که الگوهای رشد درون‌زا^۱ معتقدند که عوامل سرمایه و فناوری در کنار ساز و کارهای درونی یک اقتصاد (همانند: آموزش، سطح مناسبی از علم و مهارت و پژوهش و ...) در رشد اقتصادی نقش دارند. بر اساس این نظریه، رشد اقتصادی در نتیجه مجموعه‌ای از ساز و کارها اتفاق می‌افتد که در این مجموعه غیر از عوامل اولیه تابع تولید متغیرهای دیگری نیز دخیل هستند. یکی از مهم‌ترین این عوامل سرمایه انسانی است (شهرکی و قادری، ۱۳۹۴: ۱۱۵). امروزه سرمایه انسانی یکی از عوامل انکارناپذیر در جریان رشد و توسعه کشورها به حساب می‌آید و از آنجا که سرمایه انسانی پیش نیاز توسعه است سرعت و آهنگ توسعه به کمیت و کیفیت نیروهای کارآمد بستگی دارد. با توجه به اهمیت سرمایه انسانی در رشد اقتصادی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه تلاش کرده‌اند تا با شیوه‌های مختلف و به ویژه حمایت‌های دولتی میزان انباشت سرمایه انسانی در کشورهای خود را ارتقا بخشند (موتمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۳). یکی از عوامل تأثیرگذار بر انباشت سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی است. اهمیت سرمایه فرهنگی را می‌توان در افزایش سرمایه‌های دیگر جستجو نمود. قابلیت تبدیل سرمایه فرهنگی به چشم‌اندازهای اقتصادی و قدرت تبدیل شوندگی به سرمایه‌های اجتماعی در تولید انباشت‌های فرهنگی، نقش عمده‌ای است که توسط سرمایه فرهنگی در جامعه صورت می‌پذیرد. با تکیه بر ارتقای سرمایه فرهنگی می‌توان با بهره‌گیری از مهارت‌ها و دانش افراد، تولیدات مبتنی بر دانش را نیز فزونی بخشید و باعث رشد اقتصادی متناسب با نیازهای جامعه شد. به دلیل اهمیت نقش سرمایه فرهنگی در رشد و توسعه سرمایه انسانی، بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر روی سرمایه انسانی حائز اهمیت است.

۲- ادبیات موضوع

۲-۱- مبانی نظری

دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و بالا از جمله مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی محسوب می‌شود. به همین دلیل مطالعه عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی توجه بسیاری از اقتصاددانان و اندیشمندان را به خود جلب کرده است.

نظریه‌های رشد به ویژه از دهه ۱۹۶۰ بیش از آنکه بر نقش سرمایه فیزیکی تمرکز نمایند به نقش سرمایه انسانی تأکید داشته‌اند. بر این اساس سرمایه انسانی شامل مهارت، تخصص و دانش انسان‌ها است. به همین دلیل عوامل مؤثر بر تشکیل سرمایه انسانی از قبیل: آموزش، توزیع درآمد و بهداشت مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است.

در مدل‌های ابتدایی رشد، به سرمایه مادی و فیزیکی و در مدل‌های جدیدتر به سرمایه انسانی به عنوان موتور رشد اقتصادی تأکید شده است، اما امروزه ارتقای سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی را عامل بسیار مهم در تقویت نیروی انسانی و در نتیجه رشد اقتصادی می‌دانند. تحقق توسعه انسانی به ویژه از جنبه عدالت متأثر از توسعه سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است (روحانی، ۱۳۸۸: ۸). با تکیه بر ارتقای سرمایه فرهنگی می‌توان با بهره‌گیری از مهارت‌ها و دانش افراد، تولیدات مبتنی بر دانش را فزونی بخشید و باعث رشد اقتصادی متناسب با نیازهای جامعه شد. همچنین بهره‌وری افراد یا به عبارتی دیگر رشد سرمایه انسانی به طور مثبت و فزاینده، توسط خدمات فرهنگی تحت تأثیر قرار گرفته است و مصرف آنها متأثر از کالاهای فرهنگی تولید شده در جو فرهنگی و سرمایه فرهنگی انباشته در جامعه تغییر می‌یابد. سرمایه فرهنگی تنها یک مبدل سرمایه‌ای نیست بلکه یک رکن اساسی در توسعه پایدار در نظر گرفته می‌شود (سپهرنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۰). سرمایه فرهنگی با تأثیر گذاشتن بر سایر سرمایه‌ها، می‌تواند در حوزه مدیریتی منابع و سرمایه نیز به عنوان عامل اساسی توسعه پایدار عمل نماید.

بورديو و پسران^۲ نظریه‌پرداز سرمایه فرهنگی، از جمله متفکران برجسته جامعه‌شناسی فرانسه است. بورديو در اوایل دهه ۱۹۶۰ مفهوم سرمایه فرهنگی را به کار برد تا نشان دهد که برای تبیین نابرابری‌های آموزشی تنها استفاده از سرمایه اقتصادی کافی نیست. بلکه بیش‌تر از عوامل اقتصادی، عادت واره‌های فرهنگی و خصلت‌های به ارث برده شده از خانواده هستند که نقش بسیار مهمی در موفقیت‌های مدرسه دارند (بورديو و پسران، ۱۹۷۹: ۷۱). بورديو در انجام این مهم با بسیاری از تعاریف سنتی جامعه‌شناختی که به فرهنگ به مثابه ذخیره ارزش‌ها و هنجارهای مشترک یا به عنوان ابزاری برای ابزار تمایلات مشترک می‌نگریستند، مخالفت کرد. در عوض وی بر آن عقیده بود که فرهنگ دارای بسیاری از ویژگی‌هایی است که از ویژگی‌های سرمایه اقتصادی به شمار می‌روند

2. Bourdieu & Passeron (1979)

1. Endogenous Growth

ارث می‌برند. همچنین افرادی که در طبقات پایین هستند و تحصیلات پایین دارند، سرمایه اقتصادی کافی در اختیار ندارند تا آن را به سرمایه فرهنگی تبدیل نمایند. بنابراین، فرزندان از حیث دارایی‌های فرهنگی فقیر باقی می‌مانند. در مقابل این رویکرد، دیماجو از گروه‌های پایگاهی پراکنده سخن می‌گوید. او و همفکرانش مستقیماً باثبات پایگاهی مخالفت می‌کنند و بر این باورند که سرمایه فرهنگی به وسیله پایگاه اجتماعی تعیین نمی‌شود. آنها نظریه خود را به شکل ساده بر پایه وجود پایگاه‌های ناسازگار^۴ بنا می‌کنند. گرچه همبستگی بالای بین برتری‌ها و مزایا از یک سو و شرایط نامساعد از سوی دیگر را در جوامع نابرابر مدرن انکار نمی‌کنند، اما معتقدند که این همبستگی‌ها کامل نیست و برتری در یک بعد، لزوماً منجر به برتری در ابعاد دیگر نمی‌شود (جان‌علیزاده چوب‌بستی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۸).

اصطلاح سرمایه فرهنگی بازنمای جمع نیروهای غیراقتصادی مثل زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسبت به تعلیم و تربیت و منابع مختلف است که بر موقعیت آکادمیک (علمی یا تحصیلی) تأثیر می‌گذارد. این اصطلاح همچنین در قیاس با سرمایه اقتصادی و نظرها و قوانین و تحلیل مباحث مربوط به سرمایه‌داری رواج یافته است (جوانمرد و محمدیان، ۱۳۸۹: ۸۷). در نظریه سرمایه فرهنگی ابعاد و عناصر فرهنگی می‌تواند به عنوان منابع تسهیل‌کننده برای دسترسی به موقعیت‌ها، امتیازات و پاداش‌ها ارزشمند تلقی شود. مفهوم سرمایه فرهنگی شامل «دارایی‌ها، فعالیت‌ها و اطلاعات فرهنگی»، مدارج تحصیلی، منش، انتظارات، تعاملات فرهنگی در عرصه اجتماعی و نیز گرایش و نگرش عامل اجتماعی به ارزش‌ها و عناصر فرهنگی می‌باشد. در دنیای کنونی سرمایه فرهنگی به یک مزیت رقابتی برای تمایز بخشی ملت‌ها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مبدل شده است. در رقابت‌های استراتژیک جهانی، موازنه‌های قدرت و نابرابری‌های سیاسی فقط سرمایه‌های اقتصادی، انسانی و اجتماعی نیستند که به عنوان عامل اثرگذار شناخته شده‌اند، بلکه سرمایه‌های فرهنگی، مزایای رقابتی دنیا در عرصه توسعه پایدار در کشورهای گوناگون جهان امروز می‌باشند (فیلیپس و شاکلی^۵، ۲۰۱۰: ۹۲).

یکی از ابزارهای پر کردن شکاف میان علم اقتصاد و

(لاریو و واینینگر^۱، ۲۰۰۳: ۱۵۵). در دیدگاه بورديو داشتن سرمایه فرهنگی کارکردهای مختلفی دارد: اول، کسب مشروعیت از طریق بقیه سرمایه‌ها، منوط به تبدیل شدن آنها به سرمایه فرهنگی است. کسی که به واسطه سرمایه فرهنگی منزلت دارد، می‌تواند روایت خود را از دنیای اجتماعی بر دیگران تحمیل کند، دوم، داشتن سرمایه فرهنگی بدین معناست که فرد می‌تواند خود را از الزامات زندگی روزمره جدا کند و نوعی گزینش دلخواه در عرصه فرهنگ انجام دهد. دلالت سرمایه فرهنگی از نظر بورديو، به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، عادت‌ها و طبع‌های فرهنگی، شامل دانش، زبان، سلیقه یا ذوق و سبک زندگی است. انتقال سرمایه اقتصادی از نسلی به نسل دیگر و از طریق ارث صورت می‌گیرد، در حالی که انتقال سرمایه فرهنگی امری پیچیده‌تر است. سه منبع عمده سرمایه فرهنگی از نظر بورديو عبارتند از: پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی. انباشت سرمایه فرهنگی در افراد از طریق این سه منبع بروز تفاوت‌هایی در دارندگان سرمایه فرهنگی و کسانی که فاقد آن هستند می‌شود.

دیماجو نخستین کسی بود که نظریه سرمایه فرهنگی را در قالب تحرک فرهنگی مطرح نمود، و معتقد بود که در جوامع مدرن غربی که متکی به اقتصاد بازار هستند، نظم پایگاهی سنتی^۲ از بین رفته است و حریم‌هایی که در جوامع قبل برای تمایز گروه‌های پایگاهی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، متغیر و سیال شده‌اند. به همین دلیل تأکید بر مشارکت در فرهنگ پایگاهی، اهمیت بیشتری نسبت به عضویت در این پایگاه‌ها پیدا کرده است. این مشارکت صرفاً در خانواده صورت نمی‌گیرد و در هر جایی ممکن است، فرهنگ‌های مربوطه، آموخته شود (دیماجو، ۱۹۸۲: ۴۷). بر اساس این مدل، سرمایه فرهنگی نقش مهمی در شکل دادن به نابرابری‌های اجتماعی ایفا می‌کند، اما این نابرابری‌ها بیش از آنکه ناشی از ارتقای موقعیت‌های ممتاز انتسابی افراد باشد، ناشی از توسعه فرصت‌های بیش‌تر برای طبقات پایین است. تفاوت اساسی بین دو مدل باز تولید اجتماعی، تحرک فرهنگی و ثبات پایگاه اجتماعی^۳ است. بورديو در نظریه خود پایگاه اجتماعی را دارای ابعاد گوناگون می‌داند که با یکدیگر سازگاری و هماهنگی زیادی دارند. اعضای طبقات بالاتر بخشی از دارایی اقتصادی خود را به سرمایه فرهنگی تبدیل می‌کنند و فرزندان آن را به

1. Lareau & Weininger (2003)
2. Base Order
3. Diffuse Status Groups

4. Inconsistent Statuses

5. Phillips & Shochley (2010)

داخلی، و رابطه نه چندان قوی میان نرخ سواد و تولید ناخالص داخلی سرانه در روش حداقل مربعات معمولی و در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۶۳ وجود دارد؛ همچنین ارتباط مثبت و معنادار، میان نرخ سواد و درآمد سرانه واقعی، ارتباط منفی میان نرخ فقر و نرخ بیکاری با درآمد سرانه واقعی، و رابطه نه چندان قوی میان امید به زندگی و درآمد سرانه واقعی با استفاده از داده‌های تابلویی استانی در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۸ وجود دارد و در نهایت تفکیک استان‌های ایران به دو گروه، با استفاده از روش خوشه‌بندی و محاسبه شاخص توسعه انسانی، تأیید کننده روابط میان عوامل اجتماعی - فرهنگی و رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱ می‌باشد (عسگری، ۱۳۹۳: ۸).

آل عمران و آل عمران با استفاده از سنجش اثرگذاری ارتقای سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو اوپک با رهیافت داده‌های تابلویی برای دوره زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ به بررسی موضوع پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اثرگذاری تمام ضرایب متغیرهای مدل، بر اساس مبانی نظری مورد انتظار و از نظر آماری نیز معنی‌دار بوده و سرمایه انسانی اثری مثبت بر رشد اقتصادی دارد (آل عمران و آل عمران، ۱۳۹۱: ۵۰).

جلالی افتری به بررسی اثر شاخص‌های فرهنگی بر رشد اقتصادی در برخی استان‌های ایران پرداخت. بدین جهت از داده‌های ۲۶ استان در دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۸۰ استفاده شده است. از روش داده‌های تابلویی به منظور برآورد الگو استفاده گردیده است. نتایج حاکی از آن است که هزینه‌های مذهبی، حج و مطبوعات اثر مثبت و معناداری روی رشد دارند و شاخص ظرفیت سینما اثر منفی و معنی‌داری روی رشد اقتصادی دارد (جلالی افتری، ۱۳۸۹: ۱۰).

بلیسی و همکاران^۴ در یک مطالعه موردی به بررسی سرمایه فرهنگی به عنوان منبعی از ذخایر سرمایه انسانی و اجتماعی در مونترال پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داد که توسعه فرهنگی باعث توسعه سرمایه انسانی و اجتماعی در جوامع مهاجرنشین حاشیه‌ای می‌شود. همچنین عادت‌های فرهنگی در جوامع محلی به سرعت تغییر نمی‌کند و سازمان‌ها اگر به دنبال تغییر هستند باید یک مشارکت فعالانه را در جوامع محلی ایجاد کنند (بلیسی و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۰۱).

باسی و سیگری^۵ به بررسی رابطه بین فرهنگ و سرمایه انسانی در یک الگوی رشد دو بخشی درون‌زا پرداختند. نتایج به

فرهنگ، مطرح نمودن رهیافتی برای بازنمایی پدیده‌های فرهنگی است که ویژگی‌های ذاتی این پدیده‌ها را به گونه‌ای در برمی‌گیرد که هم در گفتمان اقتصادی و هم در گفتمان گسترده‌تر فرهنگی قابل درک است. چنین ابزاری به وسیله مفهوم سرمایه فرهنگی فراهم می‌شود (تراسبی، ۱۳۸۹: ۴۶). تراسبی میان سرمایه فرهنگی و سرمایه معمولی تمایز قائل می‌شود و معتقد است که سرمایه فرهنگی هم ارزش فرهنگی می‌آفریند و هم ارزش اقتصادی، اما سرمایه معمولی تنها ارزش اقتصادی می‌آفریند.

یکی از راه‌های مهمی که به واسطه آن فرهنگ به طور مثبتی می‌تواند روی رشد اقتصادی تأثیر بگذارد، وجود رابطه معنادار بین فرهنگ و سرمایه‌گذاری‌های مربوط به حوزه سرمایه انسانی است. سرمایه فرهنگی با تولید و مصرف خلاق می‌تواند با افزایش ذائقه یا تغییر آن با مناسبات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و در نهایت منفعت طلبی اقتصادی، ارتقای بازار مصرف را به دست گیرد و با جذب و آموزش افراد خلاق و ارزشی به تولید انعطاف پذیر با فناوری بالا و خلاقیت متناسب شرایط بومی و مقبول پردازد.

پس سرمایه فرهنگی خلاق می‌تواند به عنوان فاکتورهای ارتقای بخش سرمایه فرهنگی عمل نماید (ساساکی^۱، ۲۰۱۰: ۳). بنابراین شناسایی عوامل ارتقای بخش سرمایه فرهنگی نه تنها می‌تواند سبب فزونی سرمایه‌های معنوی در یک جامعه محسوب گردد، بلکه می‌تواند باعث رشد اقتصادی و پویایی صنایع خلاق نیز در جامعه شود و به نوعی سرمایه‌های مادی را نیز تزاید بخشد. سرمایه فرهنگی به طور عموم کار طلبند. پس فرهنگ راهی برای برپا کردن بازارهای کاری مانند فعالیت‌های سنتی، حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی و تاریخی و ... است.

۲-۲- مطالعات تجربی

عسگری به بررسی ارتباط عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر رشد اقتصادی در ایران پرداخت. در این پژوهش از روش حداقل مربعات معمولی^۲، داده‌های تابلویی و فرایند خوشه‌بندی^۳، برای بررسی تأثیر این عوامل بر رشد اقتصادی استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که ارتباط مثبت و معنادار میان امید به زندگی و تولید ناخالص داخلی سرانه، ارتباط منفی میان نرخ فقر و نرخ بیکاری با تولید ناخالص

1. Sasaki (2010)

2. Ordinary Least Square (OLS)

3. Clustering

4. Blessi et al. (2012)

5. Bucci & Segre (2011)

۳- روش تحقیق

در این پژوهش، تأثیر سرمایه فرهنگی بر سرمایه انسانی طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۵ در ۱۰ کشور منتخب^۳ در حال توسعه شامل الجزایر، اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، عربستان سعودی، مالزی، نیجریه و ونزوئلا با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته مورد ارزیابی قرار گرفت. در این مطالعه از شاخص توسعه انسانی (شاخص سرمایه انسانی) به عنوان متغیر وابسته و سخت‌کوشی و حسابگری (شاخص‌های سرمایه فرهنگی) به عنوان متغیر توضیحی استفاده شد. تولید ناخالص داخلی واقعی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (سرمایه‌گذاری) نیز به عنوان متغیرهای کنترلی و تأثیرگذار بر سرمایه انسانی وارد الگو شده است. متغیر سرمایه انسانی با یک دوره وقفه به عنوان متغیر توضیحی وارد الگوی GMM شده است. لازم به ذکر است که تمام متغیرها در الگو به صورت لگاریتمی لحاظ شده است.

در مدل‌های اقتصادسنجی رابطه پویایی به وسیله وارد شدن وقفه یا وقفه‌هایی از متغیر وابسته به عنوان متغیر توضیحی در مدل مشخص می‌شود (بالتاجی، ۲۰۰۵: ۳۷). در این صورت الگو و متغیرهای استفاده شده در پژوهش در مدل پویایی به شکل زیر نشان داده می‌شود^۴.

$$HC_{it} = \alpha + \beta HC_{it-1} + \theta CC_{it} + \lambda C_{it} + \delta_i + \varepsilon_{it}$$

که در این معادله: HC_{it} شاخص توسعه انسانی (نماینده سرمایه انسانی) برای کشور i در دوره t می‌باشد. CC_{it} : سخت‌کوشی، حسابگری، (نماینده سرمایه فرهنگی) برای کشور i در دوره t می‌باشد. C_{it} : متغیرهای کنترلی تأثیرگذار بر سرمایه انسانی. ε_{it} : جز خطا δ_i : تأثیرات ویژه مقطعی (تصادفی یا ثابت). اندیس i نشان دهنده کشور و اندیس t نشان دهنده زمان است. پویایی در الگو با وارد کردن HC_{it-1} به عنوان مقدار با وقفه متغیر وابسته نشان داده شده است. در پژوهش حاضر اطلاعات مربوط به شاخص سرمایه

دست آمده نشان داد که یکی از راه‌های مهمی که به واسطه آن فرهنگ به طور مثبتی می‌تواند روی رشد اقتصادی اثر بگذارد، وجود رابطه معنادار بین فرهنگ و سرمایه‌گذاری‌های سرمایه انسانی است. همچنین سرمایه فرهنگی نقش مهمی در توسعه اقتصادی متعادل و مقاوم‌تری دارد چرا که می‌تواند فراهم‌کننده فرصت‌هایی برای تکامل شخصی و اجتماعی در بین گروه‌های ضعیف باشد و به افراد این امکان را بدهد که تجارت شخصی یا گروهی به وجود آورند (باسی و سیگری، ۲۰۱۱: ۲۹۰).

محروف خان و همکاران^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان ارزش‌های فرهنگی و رشد اقتصادی در آسیا به بررسی اثر عوامل فرهنگی بر رشد اقتصادی ۱۱ کشور منتخب آسیای پرداختند. در این راستا از داده‌های دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۵ و شاخص‌های فرهنگی اعتماد، خودمختاری، احترام و اطلاعات استفاده گردید. از روش حداقل مربعات معمولی به منظور آزمون اثر فرهنگ و عوامل اقتصادی بر رشد اقتصادی استفاده شده است. شواهد تجربی حاکی از آن است که عوامل فرهنگی از جمله احترام و اعتماد به نفس اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارند. عوامل فرهنگی از جمله اطاعت، همبستگی منفی با رشد اقتصادی دارند (محروف خان و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۲).

بورگ و روسو^۲ با استفاده از خوشه‌بندی و مطالعه موردی به بررسی و مقایسه عوامل فرهنگی و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی در ۱۰ شهر اروپایی پرداخته‌اند و با هدف معرفی مدلی مفهومی به منظور نشان دادن ارتباط بین فرهنگ و توسعه اقتصادی درمی‌یابند که پیشرفت در فعالیت‌های فرهنگی در یک فرایند خوداستحکامی، موجب افزایش پیامدهای خارجی اقتصادی و اجتماعی می‌شود. آنها همچنین، فرهنگ را به عنوان عنصری کلیدی در فعالیت‌های اقتصاد اطلاعات محور و صنعتی شناسایی می‌کنند و معتقدند که توسعه یک اقتصاد فرهنگ محور، متغیرهای نمادین و خلاق در هر جهتی، از اقتصاد شهری، انتخاب رجحان و نوآوری را با واکنش میان دانش محلی در سطوح فردی و اجتماعی و بازارهای جهانی پیوند می‌دهد (بورگ و روسو، ۲۰۰۵: ۱۲۸).

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق که در قسمت‌های قبل تشریح شد یک فرضیه برای پاسخ به سؤال این تحقیق به شرح زیر تدوین شده است: سرمایه فرهنگی اثر مثبت و معنادار بر سرمایه انسانی دارد.

۳. در این پژوهش به دلیل کمبود داده به خصوص در مورد شاخص‌های سرمایه فرهنگی با توجه به حداکثر داده‌ها از اطلاعات ۱۰ کشور منتخب استفاده شده است. واضح است که در صورت دسترسی به اطلاعات آماری بیشتر در خصوص سرمایه فرهنگی می‌توان الگو را گسترش داد.
۴. در اینجا لازم به ذکر است که الگوی پیشنهادی، برحسب مقادیر با وقفه متغیرهای مستقل نیز مورد برآورد قرار گرفت. با عنایت به اینکه مقادیر ضوابط آکانیک و شوارتز الگوی برآوردی با وقفه، برابر $-۷/۵۷$ و $-۷/۴۱$ به دست آمده‌اند، بنابراین شواهد تجربی و دلایل آماری کافی مبنی بر وقفه متغیرهای توضیحی مشاهده نشد.

(۰/۳۴۷۴)	(۰/۵۹۳۲)	(۰/۷۱۵۶)	(۰/۱۶۴۹)	LIN
(۰/۰۰۰۰)	(۰/۰۰۰۵)	(۰/۰۰۶۱)	(۰/۰۰۰۰)	LGDP
(۰/۳۲۹۱)	(۰/۳۴۸۰)	(۰/۳۶۱۱)	(۰/۰۰۰۸)	D(LHC)
(۰/۴۸۹۸)	(۰/۵۵۸۰)	(۰/۴۷۴۵)	(۰/۰۰۰۳)	D(LHWORK)
(۰/۰۰۰۱)	(۰/۰۱۳۰)	(۰/۰۲۶۷)	(۰/۰۰۰۰)	D(LSAVE)
(۰/۰۸۱۲)	(۰/۱۹۹۰)	(۰/۲۸۱۹)	(۰/۰۰۰۱)	D(LIN)
(۰/۰۰۷۷)	(۰/۰۱۷۱)	(۰/۰۳۲۶)	(۰/۰۰۰۰)	D(LHC,2)
(۰/۰۰۰۳)	(۰/۰۰۳۳)	(۰/۰۰۰۷)	(۰/۰۰۰۰)	D(LHWORK,2)
(۰/۰۰۰۰)	(۰/۰۰۶۲)	(۰/۰۱۶۳)	(۰/۰۰۰۰)	D(LIN,2)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۴-۱- نتایج برآورد الگو در کوتاه‌مدت

در این الگو از تولید ناخالص داخلی حقیقی و سرمایه‌گذاری به صورت نسبی از تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیرهای کنترلی و تأثیرگذار بر توسعه انسانی برای تجزیه و تحلیل استفاده شده است. مقدار متغیرهای وابسته با یک دوره وقفه که بیانگر پویایی الگو است و در روش GMM استفاده می‌شود، به عنوان متغیر توضیحی وارد الگو شده است. نتایج حاصل از برآورد دو معادله به صورت مجزا و با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته ارائه شده است.

نتایج به دست آمده در جدول (۲) حاکی از آن است که متغیر سخت‌کوشی به عنوان شاخص سرمایه فرهنگی اثر مثبت و معناداری بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب در حال توسعه از جمله ایران دارد. ضریب این متغیر در حدود ۰/۰۴۸ است و به این معناست که با یک درصد افزایش در متغیر سخت‌کوشی به عنوان نماینده سرمایه فرهنگی، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، توسعه انسانی در حدود ۰/۰۴۸ درصد افزایش می‌یابد. این نتیجه با مبانی نظری سازگار است. یافته‌ها حاکی از آن است که زمانی که میزان سخت‌کوشی در بین افراد یک جامعه افزایش می‌یابد، میزان تولید ناخالص داخلی و در نتیجه درآمد افراد (سطح استاندارد زندگی) افزایش می‌یابد و این به معنای افزایش شاخص توسعه انسانی است.

انسانی از بانک جهانی^۱ و اطلاعات مربوط به شاخص‌های سرمایه فرهنگی از سایت پیمایش ارزش‌های جهانی^۲ استخراج می‌شود. جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای است. روش تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه بر اساس روش اقتصادسنجی رگرسیون داده‌های تابلویی^۳ می‌باشد. برآورد الگو به روش گشتاورهای تعمیم یافته^۴ است. به منظور تحلیل داده‌ها و برآورد الگوی معرفی شده، از نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews9 استفاده شده است.

۴- یافته‌ها

قبل از برآورد الگو لازم است مانایی متغیرهای مورد استفاده در الگو بررسی شود. به منظور بررسی مانایی متغیرها از آزمون‌های ریشه واحد پانلی لوین، لین و چو، ایم-پسران و شین، آزمون فیشر ADF و فیشر فیلیپس پرون استفاده می‌شود. نتایج حاصل از مانایی متغیرها نشان می‌دهند که متغیر تولید ناخالص داخلی در سطح مانا است ولی سایر متغیرها دارای ریشه واحد بوده و در سطح مانا نیستند، برای این منظور مانایی سایر متغیرها در تفاضل مرتبه اول و دوم تکرار می‌شود که نتایج آن در جدول (۱) ارائه شده است.

با توجه به جدول (۱)، متغیر تولید ناخالص داخلی (LGDP) در سطح، متغیر حسابگری (LSAVE) با یک بار تفاضل‌گیری و متغیرهای سرمایه‌گذاری (LIN)، توسعه انسانی (LHC) و سخت‌کوشی (LHWORK) با دو بار تفاضل‌گیری در تمامی آزمون‌های مورد نظر مانا می‌شوند. در ادامه به منظور رفع مشکل مانایی متغیرها در سطوح متفاوت، آزمون هم‌انباشتگی اجرا شد و با توجه به نتایج آزمون هم‌انباشتگی، مانایی متغیرها تأیید شد.

جدول ۱. نتایج آزمون مانایی برای متغیرهای الگو با در نظر گرفتن

عرض از مبدأ

ازمون متغیر	لوین، لین و چو	پسران و شین	فیشر ADF	فیشر - PP
LHC	(۰/۰۰۰۰)	(۰/۲۹۷۶)	(۰/۰۷۱۶)	(۰/۰۰۰۰)
LHWORK	(۰/۰۰۷۵)	(۰/۹۹۴۵)	(۰/۶۹۰۵)	(۰/۰۰۷۸)
LSAVE	(۰/۰۰۰۱)	(۰/۴۹۱۶)	(۰/۴۴۶۵)	(۰/۲۱۱۱)

1. www.world bank.org
2. www.world valuesurvey.org
3. Panel Data
4. Generalized Method of Moments (GMM)

و در نتیجه توسعه انسانی نیز افزایش یافته است. متغیر سرمایه‌گذاری اثر مثبت و معناداری بر توسعه انسانی دارد. افزایش سرمایه‌گذاری نیز با تأثیر بر تولید ناخالص داخلی موجب رشد توسعه انسانی خواهد شد و با افزایش یک درصدی در سرمایه‌گذاری ۰/۰۱۷ درصد توسعه انسانی افزایش یافته است.

جدول ۳. نتایج برآورد الگوی کوتاه‌مدت - شاخص حسابگری

متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره t	احتمال
LHC(-1)	۰/۷۹۹	۰/۰۲۶	۳/۵۰۳	۰/۰۰۰
LSAVE	۰/۰۰۹	۰/۰۰۵	۱/۷۵۷	۰/۰۲۴
LGDP	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۳/۱۵۹	۰/۰۰۲
LIN	۰/۰۱۷	۰/۰۰۸	۱/۹۹۹	۰/۰۱۰
آزمون	مقدار	احتمال		
آماره J	۸/۳۲۵	۰/۲۹۱		
آزمون والد	۱۱۱۰۷/۹۳	۰/۰۰۰		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج تخمین الگو در جداول (۲) و (۳) متغیر توسعه انسانی با یک دوره وقفه ارتباط مثبت و معناداری با متغیر توسعه انسانی دارد. این نتیجه نشان دهنده پویایی توسعه انسانی در طول زمان است، به طوری که با افزایش توسعه انسانی در دوره قبل، توسعه انسانی در دوره فعلی نیز افزایش یافته است.

بر اساس آماره J گزارش شده در جداول (۲) و (۳) که نشان دهنده آماره سارگان است، فرضیه وجود هر نوع همبستگی بین متغیرهای ابزاری با پسماندها رد می‌شود. بر اساس این آزمون، متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده در تخمین الگو از اعتبار لازم برخوردار هستند و اعتبار ضرایب به منظور تفسیر تأیید شده است. بر اساس نتایج آزمون والد، فرضیه آزمون مبنی بر صفر بودن تمامی ضرایب در سطح معناداری ۵ درصد رد شده است و لذا اعتبار ضرایب تأیید شده است.

۴-۲- نتایج برآورد الگو در بلندمدت

نتایج جدول (۴) و (۵) نشان می‌دهند که یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای وابسته و مستقل وجود دارد به گونه‌ای که می‌توان انتظار داشت، شاخص سخت‌کوشی، حسابگری، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری در بلندمدت رابطه مثبت و معناداری با توسعه انسانی داشته باشند. میزان تأثیر شاخص

جدول ۲. نتایج برآورد الگوی کوتاه‌مدت - شاخص سخت‌کوشی

متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره t	احتمال
LHC(-1)	۰/۷۵۶	۰/۱۰۰	۷/۵۵۶	۰/۰۰۰
LHWORK	۰/۰۴۸	۰/۰۵۸	۰/۸۴۲	۰/۰۰۳۸
LGDP	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰۵	۸/۳۱۴	۰/۰۰۰
LIN	۰/۰۲۴	۰/۰۰۹	۲/۵۶۵	۰/۰۱۳۴
آزمون	مقدار	احتمال		
آماره J	۸/۳۷۱	۰/۲۱۲		
آزمون والد	۱۱۱۰۷/۹۳	۰/۰۰۰		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تولید ناخالص داخلی واقعی متغیر دیگری است که ارتباط مثبت و معناداری با توسعه انسانی دارد. طبق نتایج به دست آمده از جدول (۲)، افزایش یک درصدی در تولید ناخالص داخلی واقعی، توسعه انسانی را در حدود ۰/۰۰۴ درصد افزایش می‌دهد. بدین معنی که با افزایش تولید ناخالص داخلی، سطح استاندارد زندگی مردم افزایش یافته و در نتیجه توسعه انسانی نیز افزایش یافته است. متغیر حسابگری اثر مثبت و معناداری بر توسعه انسانی دارد. افزایش حسابگری نیز با تأثیر بر تولید ناخالص داخلی موجب رشد توسعه انسانی خواهد شد و با افزایش یک درصدی در حسابگری ۰/۰۲۴ درصد افزایش در شاخص توسعه انسانی مشاهده شده است.

با توجه به نتایج تخمین الگو در جدول (۳)، متغیر حسابگری (پس‌انداز) به عنوان شاخص سرمایه فرهنگی اثر مثبت و معناداری بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب در حال توسعه از جمله ایران دارد. ضریب این متغیر در حدود ۰/۰۰۹ است و به این معناست که با یک درصد افزایش در متغیر حسابگری به عنوان نماینده سرمایه فرهنگی، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، توسعه انسانی در حدود ۰/۰۰۹ درصد افزایش یافته است. توجه این رابطه به این صورت است که با افزایش میزان تمایل مردم به پس‌انداز میزان سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد که این افزایش موجب افزایش تولید ناخالص داخلی و در نتیجه افزایش درآمد مردم به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه انسانی خواهد شد.

متغیر تولید ناخالص داخلی ارتباط مثبت و معناداری با توسعه انسانی دارد. طبق نتایج جدول (۳)، افزایش یک درصدی در تولید ناخالص داخلی واقعی، توسعه انسانی را در حدود ۰/۰۰۳ درصد افزایش داده است. بدین معنی که با افزایش تولید ناخالص داخلی، سطح استاندارد زندگی مردم افزایش یافته

است و با گذشت زمان و نهادینه شدن این شاخص‌ها در جامعه در بلندمدت میزان تأثیرگذاری بیش‌تر شده است.

۶- پیشنهادات

از آنجایی که بین شاخص سرمایه فرهنگی (سخت‌کوشی و حسابگری) و سرمایه انسانی، در بلندمدت رابطه مثبت وجود دارد یعنی با گذشت زمان و نهادینه شدن فرهنگ در جامعه در بلندمدت سرمایه انسانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، بنابراین لازم است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توجه ویژه به سرمایه‌های فرهنگی می‌بذل دارند و سرمایه‌گذاری بالاتری در جهت تسریع تثبیت و نهادینه کردن سرمایه‌های فرهنگی در جامعه انجام دهند تا بستری مناسب‌تر در جهت توسعه سرمایه انسانی فراهم شود که این امر موجبات رشد اقتصادی بالاتر را فراهم کند. از طرفی با تکیه بر صنایع فرهنگی خلاق می‌توان به جذب تخصص‌های نوآورانه و مبتکرانه پرداخت و در بعدی دیگر طبقات خلاق و متفکر را در جامعه ایجاد نمود که این موارد خود با تولید سرمایه‌های فرهنگی تحقق یافته می‌توانند ظرفیت‌های سرمایه‌ای در جامعه را ارتقا دهند. با توجه به موارد گفته شده پیشنهاد می‌شود که مسئولین در ایجاد فرصت‌های برابر در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسط آموزش عالی، که امکان پرورش و رشد دانشجویان، قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف را فراهم نموده و نقش مؤثری را در ارتقای توانمندی‌های فردی و توسعه سرمایه انسانی ایفا می‌کند، سرمایه‌گذاری لازم را انجام دهند. علاوه بر آن باید به تأمین مالی برخی از کالاهای فرهنگی برای طبقات کم درآمد جامعه که به دلیل کمبود سرمایه‌های مادی نمی‌توانند شماری از کالاهای فرهنگی را به دست آورند، توجه شود. از طرفی با توجه به چرخش کنونی سرمایه‌های فرهنگی به سوی بعد اطلاعاتی، لازم است کنشگران اجتماعی با افزایش دایره فعالیت‌ها و افزایش محدوده شبکه‌های ارتباطی، زمینه را برای ایجاد ارتباطات بسیار گسترده مهیا کنند. در نهایت دولت و مسئولین فرهنگی استان‌ها، باید امکانات سرمایه فرهنگی مثل فرهنگسراها، سالن‌های ورزشی، کتابخانه‌ها، مجله و روزنامه، تئاتر، سینما و ... را به طور یکسان در اختیار همه مردم قرار دهند.

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون والد در هر دو الگو، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضرایب تک تک متغیرها رد شده و متغیرهای مورد استفاده در الگو بر متغیر وابسته اثرگذارند بنابراین از اعتبار لازم برای تفسیر برخوردارند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و بالا از جمله مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی محسوب می‌شود. سرمایه انسانی و شاخص‌های مرتبط با آن به عنوان عاملی تأثیرگذار بر رشد و توسعه کشورها یکی از مهم‌ترین موضوعات به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌باشند. از این‌رو الگوها و نظریات متفاوتی در مورد عوامل مؤثر بر سرمایه انسانی در کشورهای مختلف ارائه شده است. سرمایه فرهنگی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سرمایه انسانی می‌باشد، و با توجه به متفاوت بودن فرهنگ کشورها می‌تواند اثرات مختلفی بر سرمایه انسانی داشته باشند.

در این پژوهش، تأثیر شاخص‌های پولی حسابگری و سخت‌کوشی بر سرمایه انسانی طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۵ در ۱۰ کشور منتخب در حال توسعه با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این مطالعه از شاخص توسعه انسانی (شاخص سرمایه انسانی) به عنوان متغیر وابسته و شاخص سخت‌کوشی و شاخص پولی حسابگری (شاخص‌های سرمایه فرهنگی) به عنوان متغیر توضیحی استفاده شد. تولید ناخالص داخلی واقعی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (سرمایه‌گذاری) نیز به عنوان متغیرهای کنترلی و تأثیرگذار بر سرمایه انسانی وارد الگو می‌شود.

نتایج تخمین رابطه بلندمدت در دو مدل (سخت‌کوشی و حسابگری) نشان می‌دهد که یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای وابسته و مستقل وجود دارد به گونه‌ای که می‌توان انتظار داشت، در هر دو مدل، شاخص سخت‌کوشی و حسابگری، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری در بلندمدت رابطه مثبت و معناداری با توسعه انسانی داشته باشند. از طرفی بعد از بررسی ضرایب متغیر سخت‌کوشی و حسابگری می‌توان نتیجه گرفت که میزان تأثیر شاخص سخت‌کوشی و حسابگری بر شاخص توسعه انسانی در کوتاه‌مدت بسیار ناچیز

منابع

ارتقای سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب

آل عمران، رویا و آل عمران، سیدعلی (۱۳۹۱). "سنجش اثرگذاری

- عضو اوپک". فصلنامه تخصصی مرکز پارک‌ها و مراکز رشد، سال ۸، شماره ۳۲، ۴۱-۵۳.
- تراسی، دیوید (۱۳۸۹). "اقتصاد و فرهنگ". ترجمه کاظم فرهادی، چاپ چهارم، نشر نی.
- جان عزیزاده چوب‌بستی، حیدر؛ خوش‌فر، غلام‌رضا و سپهر، مهدی (۱۳۹۰). "سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی، ارزیابی تجربی مدل‌های تجربی نظری". *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، سال ۱، شماره ۲، ۸۳-۱۰۴.
- جلالی افتری، مهدی (۱۳۸۹). "اثر شاخص‌های فرهنگی بر رشد اقتصادی در برخی استان‌های ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه علامه محدث نوری.
- جوانمرد، حبیب‌الله و محمدیان، فاطمه (۱۳۸۹). "شاخص‌های مؤثر در سنجش سرمایه انسانی". فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، سال ۲، شماره ۱، ۶۸-۸۶.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸). "درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی". *Sociology of Educating*, 75(1), 44-68.
- Lareau, A. & Weininger, E. B. (2003). "Cultural Capital in Educational Research: A Critical Assessment". *Sociological Theory*, 6, 153-168.
- Mahroof Khan, M. Z., Hang, J., Hashmi, M. S. & Bashir, M. (2010). "Cultural Value and Economic Growth in Asia: an Empirical Analysis". *International Journal of Business & Social Science*, 1(2), 15-27.
- Phillips, R. & Shockley, G. (2010). "Linking Cultural Capital Conceptions to Asset-Based Community Development". in *Mobilizing Communities: Asset Building as A Community Development Strategy*. Temple University Press, 92-111.
- Sasaki, M. (2010). "Urban Regeneration Through Cultural Creativity and Social Inclusion: Rethinking Creative City Theory Through A Japanese Case Study". *Cities*, 27, 3-9.
- Throsby, D. (2001). "Economics and Culture". United Kingdom: *Cambridge University Press*.
- فصلنامه راهبرد، سال ۱۸، شماره ۵۳، ۷-۳۵.
- سپهرنیا، رزیتا؛ دلاور، علی و صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۱). "بررسی جایگاه صنایع فرهنگی خلاق و رابطه آن با ارتقا سرمایه فرهنگی در ایران". *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، دوره ۲، شماره ۱، ۱۶۱-۱۳۹.
- شهرکی، مهدی و قادری، سیمین (۱۳۹۴). "تأثیر زیرساخت‌های آموزش و سلامت بر رشد اقتصادی ایران". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۵، شماره ۱۹، ۱۱۵-۱۳۶.
- عسگری، الناز (۱۳۹۳). "تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی بر رشد اقتصادی ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.
- موتمنی، مانی؛ زروکی، شهریار و بلبل امیری، بحیره (۱۳۹۵). "نقش سرمایه انسانی بر رابطه دستمزد و بهره‌وری نیروی کار در صنایع کارخانه‌ای ایران". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۶، شماره ۲۳، ۳۳-۴۴.
- Baltagi, B. H. (2005). "Econometric Analysis of Panel Data". John Wiley & Sons Ltd, England.
- Blessi, G. T., Trembly, D. G., Sandri, M. & Pilati, T. H. (2012). "New Trajectories in Urban Regeneration Processes: Cultural Capital as Source of Human and Social Capital Accumulation- Evidence from the Case of Tohu in Montreal". *Cities*, 29(6), 397-407.
- Borg, j. V. D. & Russo, A. P. (2005). "The Impact of culture on the Economic Development of Cities". *European institute for comparative urban research (EURICUR)*, Erasmus University Rotterdam. 123-139.
- Bourdieu, P. & Passeron. J. C. (1979). "The Inheritors: French Students and Their Relations to Culture". University of Chicago Press.
- Bucci, A. & Segre, G. (2011). "Culture and Human Capital in a Two- Sector Endogenous Growth Model". *Research in Economics*, 65, 279-293.
- Dimaggio, P. (1982). "Cultural Capital, Gender and School Success, The Role of Habits".